

## نورانی و رستم شجاع زبان مافیا بر ضد ملالی جویا

شاید بسیاری از خوانندگان سایت "افغان جرمن آنلاين" نیز آگاه باشند که از مدتی به اینسو صاحب سایت "کابل پرس" آقای کامران میرهزار و دوستانش بر "جمعیت انقلابی زنان افغانستان" (راوا) متحدانه یورش برده و هرکدام می‌کوشند در به کاربرد کثیف ترین زبان و بار کردن نامردانه ترین اتهامات به "راوا" گوی سبقت از یکدیگر را برابند. در عین زمان موضوع دیگری که در این مسابقه مذموم قابل توجه است مضمون پلیسی تعدادی از نوشته هاست که نویسندگان آنها به بهانه مخالفت با "راوا"، نام هایی را می‌آرند که تا امروز تظاهری در رسانه های کشور نداشته اند. اگر قبول کنیم که آنان به شیوه مبارزه مخفی منهدم اند، در اینصورت افشای اسمای آنان عملاً جز جاسوسی و خیانت چیز دیگری نخواهد بود. به هر حال من معتقدم که اینگونه مجادلات قلمی اگر فارغ از تصفیه حسابهای خصوصی و خدمت غیر مستقیم به خاد، جنایتکاران مذهبی، دولت دست نشانده باشند، برای آگاهی عامه و به ویژه مبارزان ضد میهنفروشان "جبهه ملی" و طالبان و سایر دشمنان مردم ما مفید خواهند بود. اما گویی مافیا که در تمام تار و پود دولت کرسی ریشه دوانده است، به شکلی از اشکال روح و قلم تعدادی از روشنفکران ما را نیز در جنگ گرفته است.

آنچه موجب نوشتن این یادداشت شد عبارتست از اینکه در یکی از نوشته های ضد "راوا" با عنوان "سرابی به نام "راوا"" به قلم رستم شجاع و به دفاع از نورانی، به ملالی جویا هم به خاینانه ترین لحن ممکن حمله شده است. در این روزگاری که یاسی فلج کننده از اوضاع میخواید بر مردم گرسنه، بیکار و قحطی زده‌ی ما چیره شود و حتی بر بخش هایی از مبارزان سایه افکند، صدای ملالی جویا چه از تریبونهایی در غرب بالا شود و چه در داخل کشور، نیرو آفرین و امیدبخش است. ولی طوریکه گفتیم به نظر میرسد که مافیای "جبهه ملی" خاینان توانسته قلم ها و زبانهایی را هم به گرو بگیرد تا جنون آسا بر ضد این زن قهرمان نیز به جولان درآیند. قلم رستم شجاع باید یکی از همین قلم های اجبر باشد که می‌نویسد:

"نورانی هرگز مثل طوطی گک رنگینی انتقاد نکرده که فقط چند انتقاد غرب پسند را تکرار کند و در بدل آن برای خدمت به تمثیل دموکراسی غربی پیوسته مدال به گردن بیاویزد. لابد انتقاد غیر خنثی برای عده ای که مدالهای کثیفی را با وجوه ۲۵ هزار دالری کمایی می کنند، غیر ازین چه مفهومی داشته می تواند؟ تمثیل و مشاطه نمودن اصطلاح «دموکراتیک» به وسیله این چنین روشنفکرانی غیر ازین چه معنی دارد که در تلویزیونها بر یکی از جنایتکارترین ارگان های دولتی بشورند و بعد به خاطر عدم رعایت آن در محاکم دست به دست عریضه بگردانند و دل از گاو دانی برکنند و باز هم دیگران را اتهام بزنند. این شیوه به کار روسپی هایی شباهت دارد که وقتی از زیر ران بر می خیزند، جهت پنهان نمودن سودای زیرناف، زهد نمایی کرده، درس انتقاد از تن فروشی می دهند."

من میدانم با فردی در این حد پست که جویای قهرمان را به باد اتهام و دشنامهای مطلقاً لایق خودش می‌گیرد با چه کلماتی مواجهه نمایم. پشت این رستم شجاع نورانی خواه باید به پشت مافیای "ائتلاف شمال" و مافیایی که دولت دست نشانده در تسخیرش است، چسبیده باشد که اینچنین افسار پاره کرده و بر یگانه خروش مردم خاموش ما میتازد و فکر میکند بردش در آن است که هرچه غلیظ تر و بیشرمانه تر بر ملالی جویا بجفد به همان اندازه از اعتبار و پیام جویا کاسته خواهد شد. اما این تازه نفس ترین عامل مافیا فراموش میکند که مردم دیگر به اتهامات بی اساس و بدون ارائه دلیل و سند و آنهم بر زنی قهرمان بهایی قابل نمیشوند و این شیوه همانقدر برای شان بی‌ارزش و خنده آور است که کمیسیون های آقای کرسی.

اگر رستم شجاع به مثابه یک عامل مافیا و سخنگوی درجه سه برهان الدین ربانی، نورالحق علومی، فاضل سانچارکی، مصطفی ظاهر و سایر سرکردگان جبهه خائنان ملی سخن نمی گفت باید، روشن می نمود که چگونه انتقادات ملالی جویا چند انتقاد غرب پسند و به غرض گرفتن مدال بوده است؟

امروز غیر از رستم شجاع ها هیچکس انکار نمیتواند که چند سال پیش دو سه جمله ای که ملالی جویا در لویه جرگه قانون اساسی بر زبان آورد مستقیماً جنایتکارانی را آماج قرار می داد که از سرسپردگان غرب بوده و فقط به زور حمایت غرب بود که سرپا و در قدرت ماندند.

اگر غرب ملالی جویا را مخالف سیاستها و خواستههایش نمی یافت، اولاً در ولسی جرگه از سوی سیاف، ربانی، محقق و وکلای مرد و زن وابسته به آنان مورد حمله قرار نمی گرفت، آنقدر توهین نمی شد و بالاخره هم عضویتش به تعلیق در نمی آمد. اینرا هر فرد عامی و وطن ما می فهمد غیر از روشنفکرانی که توسط مافیا خریده شده اند.

این خاین ضد ملالی جویا اگر آگاهانه یا ناآگاهانه در گرو "جبهه ملی" نمی بود باید غیر از ملالی جویا به جایزه ۲۵ هزار دالری هم لعن و نفرین روا نمیداشت زیرا ۲۵ هزار دالر وجه نقدی "جایزه حقوق بشر گوانجو" بوده که ملالی جویا آن را به طور مشترک با یک زن مبارز از "بنیاد یاد بود جنبش ۱۸ می" که به مبارزان راه دموکراسی کشورهای مختلف اهدا میشود، بدست آورد. "بنیاد یاد بود جنبش ۱۸ می" پس از قیام عظیم مردمی و دموکراسی خواهانه در شهر گوانجو (کوریای جنوبی) که طی آن صدها تن به شهادت رسیدند ایجاد شد و قرار شد جایزه را به پاس بزرگداشت خون شهدای گوانجو و تبلیغ پیام بزرگ آنان به مبارزان سراسر جهان اهدا کند.

ولی اکنون یک روشنفکر قلبی و دشمن خونی دموکراسی و با شکوهترین درفشدار آن در افغانستان، برخاسته و به جای تبجیل و تکریم این جایزه، آن را در سطح دون مایگی خودش می آلود تا دولت و "جبهه ملی" را خشنود ساخته و کینه ی حیوانیش را نسبت به ملالی جویا تبارز بخشیده باشد.

برای آنکه خوانندگان از اهمیت والای این جایزه بیشتر آگاهی یابند و در نتیجه به ماهیت مشکوک و مافیایی حمله کننده به آن و ملالی جویا پی برند، باید به سایت ملالی جویا مراجعه کنند.

ملالی جویا هیچ جایزه ای را که توام با وجهی نقدی بوده باشد برای استفاده خصوصی و خانوادگی خود به کار نگرفته است. هرچند این حق را داشت. چنانکه میدانیم او اولین جایزه اش را که سکه ای طلا بود از طرف "اتحادیه فرهنگی افغانهای مقیم اروپا" برایش اهدا شد از طریق سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و کلتور وقت به آرشیف ملی سپرد تا جزء دارایی مردم گردد. با اینکه از نظر من این یک اشتباه بود زیرا ما هنوز دولت ملی نداریم که پاسدار آرشیف ملی و سایر ثروتها و گنجینه های ملی ما باشد. همچنین ملالی جویا باید از سپردن جایزه به دست مخدوم رهین ناپاک و آلوده به همکاری و همفکری با باند شورای نظار و جریده "امید" به گردانندگی قوی کوشان معلوم الحال ابا میورزید. در مورد جایزه ۲۵ هزار دالری هم مردم ما شاهدند که دخت شیردل ما آن را در چند پروژه و منجمله ترمیم آرامگاه هنرمندان محبوب کشور استاد اولمیر و شهید ذری لوگری به مصرف رسانید. استفاده ملالی جویا از وجوهی ناچیز که از بعضی سفرهایش در خارج به دست می آورد در راههای عام المنفعه کماکان ادامه دارد. به رویت سایت کمیته دفاع از ملالی جویا می بینیم که مدت کوتاهی پیش او مسئولیت پرداخت مخارج ساختمان یک انتظارگاه برای مریضداران در شفاخانه مرکزی ولایت فراه را به دوش گرفته است.

اگر اینها واقعیت نیست و رستم شجاع و نورانی مدعی باشند که ملالی جویا از جایزه های نقدی استفاده شخصی کرده است، باید ثابت سازند در کجا و چگونه. آیا او برای اعضای خانواده اش ده دالر هم مصرف کرده است؟ اگر این دو نتوانند چنین ادعایی را به اثبات برسانند، لامحاله ثابت میشود که وظیفه آنان که به گمان اغلب از جانب مافیا بدوش گرفته اند تخریب و افترا زنی های بیشرمانه علیه ملالی جویا می باشد و بدینترتیب خود را در پیشگاه تاریخ روسیاه مینمایند.

دیروز اوباشانی افواه پخش کردند که ملالی جویا با تمام اعضای خانواده اش به غرب مسکن گزین شده است (مراجعه شود به مصاحبه جویا با تلویزیون پیام افغان)، و امروز رستم شجاع ها از در دیگری وارد میدان برچسب زدن بر زن سرافرازی شده اند که شخصیت و سخنش همانند تیری چشم و قلب اهریمنان "جبهه ملی" و سایر دشمنان مردم ما را می درد.

رستم شجاع به تلاش ملالی جويا در اثبات غيرقانونی بودن تعلیقش از ولسی جرگه طعنه زده و آن را دل برنکندن او از طویله (پارلمان) مینامد.

اگر رستم شجاع خودفروخته و وظیفه نداشته باشد، این حرکت را جويا باید از منظر ادامه مبارزه برضد جنایتکاران و افشاگری آنان در خانه خود شان و محرز ساختن اینکه قانون ساخته ی خود شان را زیر پا می کنند و به قول خود جويا واقعا پلیدترین قانونسازان قانونشکن اند، ببیند و نه عشق ملالی جويا به رفتن در جایی که هرگونه تحقیر و توهین و تهدید جانی در انتظارش است و به گفته خودش یک و نیم سال رنج. بودن در آنجا را تحمل کرده است. فقط یک احمق میتواند قبول کند که کسی از همان جایی دل برنکند که در آن قصد جانش را داشته اند و کثیف ترین اتهامات را شنیده است.

وقتی انسان از یکطرف به چهار پنجسال کار کرد فداکارانه ملالی جويا می نگرد و از طرفی حملات لجام گسیخته و عورت گسیخته ی نورانی ها را بر او می بیند، خشمی جانگداز درهم می پیچیدش که با این روشنفکران بیشترافت و بی مسلک که بیکران بی آرم و دهن دریده اند چه باید کرد. این روشنفکران که خود شهادت ندارند کلمه ای برضد خونخواران "جبهه ملی" و دستگاه فاسد شان به لب آرند، به زن دلیری روسپیانه می تازند که جنایتکاران از هر قماش به خونس تشنه اند.

در آخر میخواهم این نکته را به رستم شجاع ها و نورانی ها گوشزد کنم: آقایان، شما با بد زبانی به ملالی جويا تنها به او بی حرمتی ای نامردانه روا نمیدارید بلکه باید بلرزید که تعداد کثیری از قلمبدستان معتبر و مبارز وطن هم شامل بی حرمتی نابخشودنی شما میشوند که در دفاع و ستایش از ملالی جويا به نحوی صمیمانه، صادقانه و شورانگیز مطلب نوشته اند. از آن جمله اند انجنیر خلیل الله معروفی، حمید انوری، فاروق فارانی، عبدالخلیل صمیمی، داکتر میر عبدالرحیم عزیز، کامران میر هزار، سمیع ندیم، فرید رستاخیز، ملالی موسی نظام، احسان الله مایار، عبدالحمید زرمتمی، حکیم نعیم، یارگل آصفی و دیگران.

من به همین وسیله از جمیع ذوات مذکور می خواهم همچنانی که به دفاع دندانشکن از فرزند قهرمان میهن در برابر عناصری با سوابق خادی مثل نصیر خالد، رزاق مامون، انجنیر ذکریا وغیره برخاستند، به این تلاش ناپاک و ناجوانمردانه ی رستم شجاع و نورانی برای بی اعتبار ساختن ملالی جويا به سود "جبهه ملی" و "شورای متحد ملی" و دولت پوشالی، آرام ننشسته و به این اجنت ها بفهمانند که امریکا و عوامل بومی آن اگرچه برخاک ما مستولی اند، هنوز وجدان و شرف همه ی روشنفکران این مرز و بوم را مسخر نتوانسته و تعدادی باقی مانده و جرئت دارند که در مقابل فحاشی سربازاری آنان علیه ملالی جويا، ملالی جويای به قول داکتر میر عبدالرحیم عزیز و حمید انوری - اسطوره مقاومت و شهادت - جانانه تر از پیش به دفاع برخیزند. من مخصوصا از فاروق فارانی شاعر مبارز میخواهم با شعر یا مقاله شایسته ی دیگر در کنار ملالی جويا بایستند و نشان دهد که ممکن نیست اراجیف رستم شجاع ها غیاری هم در برابر "دختر خورشید" (عنوان شعر فارانی برای جويا) میهن به حساب رود.